

## غزل شماره ۴۰۷

مزرع سبزِ فلک دیدم و داسِ مه نو  
یادم از کشته خویش آمد و هنگامِ درو  
گفتم ای بخت بختیدی و خورشید مید  
گفت با این همه از سابقه نومید شو  
گر روی پاک و مجرد چو میجاب به فلک  
از چراغِ توبه خورشید رسد صد پرتو



نکیه بر احقر شب دزد مکن کاین عیار  
تاج کاووس برد و کمر کین خسرو

کوشوار زرو لعل ار چه گران دارد کوش  
دور خوبی گذران است نصیحت بشو

چشم بد دور ز خال تو که در عرصه حسن  
ییدی راند که برد از مه و خورشید کرو

آسمان کو مفروش این عظمت کاندز عشق  
خرمن مه به جوی خوشه پروین به دو جو



آتش زهد و ریاضت دین خواهد سوخت  
حافظ این خرقة پشمینه بپنداز و برو

## تفسیر فال

نامید نباشید و هرگز این احساس را به خود راه ندهید که تلاش‌های شما بی‌فایده است. مطمئن باشید که هر آنچه که در مسیر اهداف و آرزوهایتان انجام داده‌اید، به زودی به ثمر خواهد نشست و پاداش زحمات شما را خواهید دید. این لحظات سخت، تنها بخشی از سفر زندگی شما هستند و با صبر و استقامت، خواهید توانست دوباره زنده شوید و بر قله‌های موفقیت قرار گیرید. تکیه بر شب و تاریکی نکنید؛ بلکه به روزها و خورشید درخشان فکر کنید، زیرا هر روز جدید فرصتی برای آغاز دوباره است. نصیحت بزرگان را آویزه‌ی گوشتان قرار دهید، چرا که تجربه‌های آنان می‌تواند چراغ راهنمای شما باشد. ستاره‌ی دولت تان طلوع کرده و چون خوشه‌ی پروین می‌درخشد؛ بنابراین با امیدواری پیش بروید و بدانید که آینده‌ای روشن در انتظار شماست.



به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو و سلام دنیا](#)